



## بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان - 1 / اسفند / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا به آقایان محترم خوش آمد عرض می‌کنم و امیدوارم که مجلس محترم خبرگان، با توجهات حضرت ولی عصر ( ارواحنا فداه ) بتواند در همان طریق مستقیم و راه روشنی که راه انقلاب و راه اسلام است، همواره پیش برود. خیلی خوشحالیم که بحمدالله این مجلس، این بار هم از جمع قابل اعتنا و عظیمی از بزرگان، علما، نفوس طیبه، شخصیت‌های علمی و انقلابی، چهره‌های موجه و شخصیت‌های مؤثر در حرکت عمومی ملت ایران، تشکیل شده است. با این چنین مجموعه‌یی از شخصیت‌ها، جا دارد که نظام جمهوری اسلامی، احساس اطمینان کند و سرنوشت اسلامی خودش را، سرنوشت تضمین شده‌یی محسوب بدارد.

چیز مهمی که در قانون اساسی پیش‌بینی شد و بحمدالله در طول مدت دوازده سال گذشته، پشتوانه‌یی برای اعتماد و اطمینان مردم محسوب شد - یعنی همین مجلس محترم خبرگان - امروز هم تضمین و نقطه‌ی اتکایی برای مردم ایران نسبت به ثبات نظام اسلامی است؛ بخصوص با توجه به این که در یک انتخابات عمومی، مردم با آزادی و شوق و رغبت شرکت کردند و چهره‌هایی را که می‌شناختند و به آنها اعتماد داشتند و سوابق حسنه‌یی از آنها در یادشان بود، انتخاب کردند و بحمدالله این مجلس فراهم آمد.

آقایانی که در این جا تشریف دارید، غیر از خصوصیت عضویت در این مجلس، یا از ائمه‌ی محترم جمعه هستید، یا از علمای معروف و چهره‌های موجه اقطار کشور هستید و اراده و توجه شما بر مردم دارای تأثیر است. آنچه که در این جمع مغتنم می‌شمارم عرض بکنم، این است که وظیفه‌ی همه، بخصوص چهره‌های موجه و علما و روحانیون و شخصیت‌های علمی، توجه به سه نکته است و این سه نکته در شرایط فعلی باید مورد نهایت اهتمام واقع بشود و همه‌ی برنامه‌ها و گفته‌ها و اظهارات، با توجه به این سه نکته شکل بگیرد. امروز غفلت از این سه نکته، حقیقتاً جایز نیست.

نکته‌ی اول، همین مسأله‌ی وحدت عمومی مردم است. از علمای موجه و زبانهای ناطق و گویا، بخصوص ائمه‌ی محترم جمعه و شخصیت‌هایی که مقام رسمی و جایگاه شناخته شده‌یی را در جامعه‌ی اسلامی دارا هستند، چه کسی اولی به این است که مردم را صمیمانه به سمت وحدت و استحکام - همین یکپارچگی که بحمدالله هست - دعوت کند؟ هیچکدام از ما مسؤولان نظام نباید اجازه بدهیم که دست‌هایی، یا از روی عناد و غرض و یا از روی جهالت، در یکپارچگی ملت تفرقه ایجاد کنند و مردم را به دسته‌جات تقسیم نمایند و اهوائی آنان را با یکدیگر متقابل و متضاد بکنند. این، راه‌هایی دارد. با تشر زدن و دعوا کردن و تهدید کردن، همیشه این مقصود حاصل نمی‌شود. بیشتر با محبت و جلب قلوب و جذب باید این مقصود را عملی کرد.

وقتی نگرش‌های متفاوتی وجود دارد، اگر ما وحدت را به عنوان یک اصل، جزو عالیترین اصول خودمان دانستیم و از ضرورت‌های بالا انگاشتیم، طبیعی است که هر طرفی باید مقداری تنازل بکند. بدون تنازل، امکان ندارد که این مقصود حاصل بشود. هیچ‌کس نباید توقع داشته باشد که اگر کسی طرف مقابل اوست، بکلی از فکر و عقیده و سلیقه و خواست و - اگر خدای نکرده هوایی هست - هوای خود، صرف نظر بکند و در بست تسلیم بشود. این، نشدنی است. اگر ما بخواهیم التیام و جمع ایجاد کنیم و از تفرق و ضررهای تفرق پرهیز نماییم، در مواردی احتیاج به تنازل است. این، یک وظیفه است.

با این که امام راحل عظیم الشانمان ( رضوان الله علیه )، در طول مدت حیات بابرکتشان، همیشه ماها را به وحدت دعوت می‌کردند، من احساس می‌کنم که امروز اگر آن بزرگوار تشریف می‌داشتند، بیش از همیشه ما را به وحدت



دعوت می‌کردند. شرایط مهم و حساسی است. بحمدالله بسیاری از خطرهای سر جمهوری اسلامی رفع شده و این نظام، خیلی از مراحل سخت را گذرانده است؛ اما در همین مرحله‌یی که ما الان قرار داریم - که مرحله‌ی استنتاج از جهادها و تلاشهای گذشته است - این وحدت، لازم و ضروری است و اگر خدای نکرده وحدت موجود زایل بشود و نفاق و نفاقی به وجود بیاید، ممکن است بسیاری از زحماتی که کشیده شده، به هدر برود.

نکته‌ی دوم - که از لحاظ اهمیت، کمتر از نکته‌ی اول نیست - این است که همه وظیفه دارند از مسؤولان کشور، بخصوص مسؤولان اجرایی و شخص رئیس‌جمهور محترممان و آن کسانی که خودشان را در جهت کار برای این کشور و ملت وقف کرده‌اند و در وسط گود آمده‌اند و برای انجام تکلیفشان، از راحتی و بسیاری از التذاذات شخصیشان صرف‌نظر کرده‌اند، حمایت و پشتیبانی بی‌قید و شرط بکنند. معنای حمایت، این نیست که هیچ‌کس کمترین اعتراضی به اینها نداشته باشد، یا احیاناً یک وقت اعتراضی را هم بر زبان نیاورد. نه، انسان از دوست و رفیق و عزیز خودش، با همهی وجود حمایت می‌کند و گاهی جان خودش را سپر بلای او قرار می‌دهد؛ اما یک وقت هم به او تذکری می‌دهد و نکته‌یی را می‌گوید. تذکر دادن و گفتن، به معنای عدم حمایت نیست. حمایت، مفهوم روشنی دارد و همه می‌فهمند که مقصود چیست.

نباید دولت و مسؤولان دیگر را تنها گذاشت. امروز برای دشمنان اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی، انگیزه‌هایی وجود دارد که طبق آن انگیزه‌ها باید بین مسؤولان کشور و مردم، فاصله ایجاد کنند و آن محبتی را که همیشه بین مسؤولان و مردم بوده است، بتدریج به سردی بدل کنند. نباید گذاشت چنین چیزی اتفاق بیفتد. حمله کردن به مسؤولان، متهم کردن مسؤولان، قضاوت خلاف واقع نسبت به مسؤولان، دل چرکین کردن مردم نسبت به مسؤولان، امروز خیانت است و قطعاً خلاف وظیفه می‌باشد.

دولت و رئیس‌جمهور، بیش از دیگر مسؤولان، به این حمایت و کمک و وصل قلبی و عاطفی با مردم احتیاج دارند. مسؤولان قضایی کشور هم، همین‌طورند. مجلس شورای اسلامی هم - که مرکز قانونگذاری و منتخب مردم و محل امید آنان است - همین‌طور می‌باشد. نباید مردم از مجلس و قوه‌ی قضاییه ناامید بشوند و انتقاد و اعتراض نباید به حدی برسد که چهره‌ی اینها در چشم مردم، چهره‌ی مخدوشی بشود. بنابراین، نکته‌ی دوم، در پشتیبانی عمومی و حفظ علقه و وصل و ربط بین مردم و مسؤولان - که تاکنون بحمدالله بوده و بعد از این هم باید باشد - خلاصه می‌شود. این، تکلیف و وظیفه است. خلاف آن، خلاف وظیفه می‌باشد.

نکته‌ی سوم که از آن دو نکته قطعاً مهمتر است، این است که انقلاب آن وقتی به صورت کامل تحقق پیدا می‌کند، که آحاد مردم حقیقتاً به مردم مسلمان و مؤمن تبدیل شوند. بخشی از اسلام، مربوط به عمل مردم است که نظام کلی اجتماعی و حرکت عمومی آنها را تصویر و ترسیم می‌کند و آنها را حرکت می‌دهد. بخش دیگر، مربوط به عقاید و کیفیات روحی و عمل شخصی مردم است. اگر انقلاب عظیم ما و نظام جمهوری اسلامی، با همهی امکانات مادی و معنوی نتواند دلها و خلیقات مردم و حقیقت وجود آنها را، از آنچه که معلول تربیتهای غلط دیرین است، به مردم مسلمان متبدل کند، قطعاً موفق نشده و انقلاب واقع نگردیده است. انقلاب، انقلاب مردم است. انقلاب مناسبات اجتماعی و اقتصادی، فرع بر انقلاب مردم است. تا مردم منقلب نشوند، آن انقلاب اقتصادی و تغییر و تبدیل مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند. مردم در اول کار بحمدالله یک انقلاب روحی پیدا کردند که حرکت بسیار مهمی بود و نتیجه‌اش همین شد که می‌بینیم.

اگر آنچه که واقع شد، ادامه پیدا نکند و تعمیق نشود و تعمیم نیابد و نسلی که رو به وجود است و نسلهای بعدی را فرا نگیرد و خدای نکرده اسم، اسلام و جمهوری اسلامی و حاکمیت منادیان اسلام باشد، اما واقع قضیه و متن زندگی مردم چیز دیگری باشد، این انقلاب قطعاً موفق نبوده و نیست. در آن صورت، از این که چنین چیزی پیش بیاید، به خدا پناه می‌بریم. نباید بگذاریم چنین چیزی رخ دهد. دشمن روی این نقطه کار می‌کند. تمام دستگاهها و



تمام افراد، بخصوص علمای اعلام و روحانیون، بایستی روی تربیت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در آنها، مخصوصاً در جوانان تلاش کنند.

البته دوران جنگ و شرایط خاص آن روزها، برای عده‌یی از جوانان این مملکت، یک انقلاب معنوی و حقیقی به وجود آورد. این وصیت‌نامه‌های شهدا که امام (ره) توصیه به مطالعه‌ی آن می‌کردند، به خاطر این است که هرکدامش نمایشگر انقلاب یک نفر آدم است. هرکدام از این وصیت‌نامه‌ها و خاطرات این جوانان را که انسان می‌خواند، تصویری از انقلاب یک نفر آدم را در آن می‌بیند و خودش منقلب کننده و درس‌دهنده است. ما باید این حالت را تعمیم بدهیم و این، ممکن است. اگر به‌طور صددرصد نسبت به همه‌ی افراد هم ممکن نباشد، نسبت به اکثریت مردم ممکن است. شرط اولش هم این است که در خود گویندگان و دعوات به این هدف، انقلابی به وجود بیاید و خلیات و اخلاق و معنویت و ذکر و توجه و وصل و توکل و اعتماد و رابطه‌ی معنویشان با خدا تقویت بشود. ما اول از خودمان هم باید شروع کنیم. واقعا اگر در هرکدام از ما، خدای نکرده از این رهگذر، نقص و کمبود و خللی باشد، روی مردم تأثیر بد خواهد گذاشت. همه در نوشتن، گفتن، عمل کردن، بالا کشیدن شخصیتها، نزدیک کردن افراد و یا دور کردن آنها، باید این نکته‌ی اخیر را در نظر داشته باشیم.

نکته‌ی آخر این است که عده‌یی از آقایان محترم در انتخابات مجلس خبرگان به نحوی شرکت نکردند، یا موفق نشدند و یا به‌رحال حوادثی پیش آمد که ذهنها مسبوق است. بایستی عرض بکنیم، کسانی که به مجلس خبرگان نیامدند، شخصیت آنها محفوظ است. این، نشانه‌ی عدم صلاحیت آنها نیست. بعضی از آن شخصیتها، صلاحیتهای بسیار والا و بالایی هم دارند و ما به آنها ارادت داریم. بعضیشان را طی سالها و در مراحل گوناگون، به صدق و صفا و جهاد فی سبیل الله و صفای نسبت به انقلاب شناختیم و خیلیها هم شناختند. اگر کسانی در میان جمع ما نیستند - چه آن برادرانی که در دوره‌ی قبل بودند و چه کسانی که نبودند و بنا بود وارد بشوند، ولی امروز نیستند - این نبودن، نبایستی برای آن آقایان نقیصه‌یی محسوب بشود. شأن و شخصیت و قدر معنوی افراد محفوظ است و خدای متعال به آن واقف و داناست.

امیدواریم که خداوند ما را هدایت کند و آنچه را که وظیفه‌ی ماست، به ما بنمایاند و هر کداممان را در هر جا که هستیم و هر مسؤولیتی که داریم، بر انجام آن وظایف موفق بکند. من مجدداً به آقایان محترم، مخصوصاً آقایانی که از راههای دور و شهرستانها تشریف آورده‌اند، خوش آمد عرض می‌کنم و از این که لطف کردید و به این جا تشریف آوردید، متشکرم.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته